



اصل لطمه‌ای وارد نسازد، مبانی اسلام را رعایت کنید، من به اقلیت‌ها نظر ندارم ولی آنها هم نباید برخلاف مبانی اسلام برای کوبیدن اسلام جلسه‌ای تشکیل دهند. شما می‌گویید «آزاد» و در این شش ماه اخیر هم مرتباً گفتند قانون قانون، قانون، چه می‌دانید در آینده این قانون دارای چند تبصره و ماده خواهد بود و گل و گشاد خواهد بود، به قول ایشان، بهایی‌ها، چپی‌ها بروند توی مسجد و تشکیل اجتماع بدهند و مستقیماً آنجا بنشینند ولی نیتشان ضربه زدن به اسلام و ضربه زدن به امنیت نظام ما باشد.»

«عبدالرحیم ربانی شیرازی» هم درباره آزاد بودن اجتماعات و اینکه این آزادی مطلق است، می‌پرسد و نایب رئیس پاسخ می‌دهد: «ناباید اینجا مرتب قید بگذاریم بلکه به طور کلی آنجاهایی که امنیت به خطر می‌افتد مسائل باید مجوزی داشته باشد و این را باید در آینده از وظایف دولت و حقوق دولت مشخص کنیم.»

سه رأی منفی و یک رأی مثبت

اصل بیست و هفتم قانون اساسی سه بار از مجلس خبرگان قانون اساسی رأی منفی می‌گیرد؛ اولین بار در جلسه بیست و ششم مجلس بررسی متن قانون اساسی بود. بعد از اینکه ابوالحسن بنی صدر سخن می‌گوید، درباره این قانون رأی گیری می‌شود: «این مطالب را ما هم صبح و هم حالا بیان کردیم، دیدیم صلاحش بر فسادش می‌چربد. زیرا ممکن است دولت به عنوان اینکه امنیت کم شده یا زیاد شده به کلی جلوی {راهپیمایی و تشکیل اجتماعات} را بگیرد، یعنی ما گفتیم که امنیت عمومی از وظایف دولت است و فکر کردیم قانون این نظم را پیش بینی می‌کند و این نظم را به عهده دولت می‌گذارد.» موافقان و مخالفان برای رأی دادن دست بلند می‌کنند؛ ۳۴ نفر موافق این ماده هستند؛ و ۲۶ نفر مخالف و ماده رد می‌شود. بعد از آن عباس شیبانی می‌گوید: «ما اینجا قیدی رأی می‌گذاریم که خودمان داریم پدر خودمان را رد می‌آوریم، نایب رئیس می‌گوید: «ما اینجا فقط گفتیم این توطئه آمیز نباشد.» ولی «محمد تقی بشارت» معتقد است کسی که اول نمی‌گوید به عنوان توطئه می‌آید، اول پرچم می‌زنند و می‌گویند حرف داریم، خواسته داریم و بعد توطئه آمیز می‌شود و بهشتی از اومی پرسد به چه صورت می‌خواهید تشخیص دهید که چگونه است؟

بار دیگر بنی صدر صحبت می‌کند: «هر ماده‌ای دارای یک مبانی و یک موازین در هر اصلی که خواهد آمد در تمام این ۱۵۰ اصل وجود دارد، کاری که ما می‌کنیم قانون را لغو می‌کنیم، چون معنایش این است، قوانینی که وضع شده یک چیز دیگری است و آنچه ما اینجا تصویب می‌کنیم یک چیز دیگر و ما گفتیم که قوانین هم باید بر اساس اسلام باشد.» بعد از صحبت‌های بنی صدر، موسوی تبریزی می‌گوید: «ما باید در قانون و مقررات، حدود اسلام را حفظ کنیم، یعنی اگر عده‌ای خواستند علیه اسلام راهپیمایی کنند، نگذاریم.» بار دیگر نایب رئیس پاسخ می‌دهد: آقای بنی صدر، اتفاقاً این قسمت با آن موارد فرق می‌کند. وقتی که می‌گوییم این قانون محدود به قوانین اسلام است صدق می‌کند که اینجا این طور نیست، می‌گویند اجتماع و راهپیمایی توطئه آمیز علیه اسلام و امنیت کشور نباشد. بنی صدر به جلسه صبح‌شان اشاره می‌کند که دکتر بهشتی پیشنهاد داده بود از متن ماده، کلمه «مسالمت آمیز» را بردارند که مورد سوءاستفاده قرار نگیرد. او ادامه می‌دهد: در پیامی که همین امروز امام برای مدارس و دانشگاه‌ها فرستادند، فرمودند بایند افکارشان را صراحتاً بیان کنند و جواب بشنوند. مثلاً اگر اینها فرادار دانشگاه جمع شدند و گفتند این مالکیتی که در اسلام است به نظر ما صحیح نیست... یزدی به میان گفته او آمده و می‌گوید: «توطئه غیر از اجتماع است؛ هر مکتبی آزاد است که اجتماع کند.» بنی صدر در پاسخ یزدی می‌گوید: «پس بگذارید توطئه، نیاید یک در میان صحبت بکنید، بگویید اجتماع آزاد است به شرط نفس نکشیدن.» و یزدی بار دیگری می‌گوید: «اجتماع آزاد است به شرط توطئه نکردن» در این میان صدوقی می‌گوید: «راهپیمایی فرق می‌کند، چون یا عقیده‌ای یا انگیزه‌ای دارند یا برای یک پشتیبانی‌ای

می‌خواهند راهپیمایی کنند، باید که هم انگیزه و هم آن جهتی را که می‌خواهند پشتیبانی کنند، معلوم باشد. یعنی باید یک جهتی باشد که برخلاف دین و اسلام و امنیت کشور نباشد و همچنین اگر خواسته و انگیزه‌ای دارند، خواسته و انگیزه‌شان مشروع باشد.

■ اعتراض مجوز نمی‌خواهد

«حمیدالله مرادزی» یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی معتقد است: «راهپیمایی که برای اعتراض باشد، محدودیت نمی‌خواهد. مسلماً راهپیمایی یا علیه دولت است که به وضعی اعتراض می‌کنند و راهپیمایی می‌کنند که در این صورت جلوی اعتراض‌شان گرفته می‌شود و نتیجه این راهپیمایی به جایی نمی‌رسد.» بعد از او سید حسن آیت می‌گوید: «آقایان به شکل قانون نویسی توجه ندارند و می‌خواهند همه چیز را داخل اصل بیاورند. منظور از راهپیمایی بالطبع اعتراض است که باید آزاد باشد. مسلمان در هر حال توطئه ممنوع است و بعد می‌شود اصلی جداگانه گذاشت که تکلیف آن را تعیین کنند. قوانین عادی همیشه توطئه را ممنوع می‌کند. اگر خواستند یک جایی جمع شوند و تظاهرات راه بینند از زمان ما زاول از کجا اطلاع داریم که اینها چه کاری خواهند بکنند؟ وسط کار اگر توطئه و خلاف قانون عمل کردند قانون تکلیف را معلوم کرده است.

ممکن است کسی در خانه‌اش توطئه کند،

اینجا ما نمی‌توانیم جلوی‌ش را بگیریم

ولی وقتی که اعمالش ظاهر شد و کاری

بر خلاف قانون کرد، جلوی‌ش را می‌گیرند.

اگر بخواهید در تمام موارد، این مسائل را

بیاورید ناچار باید یک اصل بنویسید. بعد

از آن ربانی شیرازی به اتفاق‌های کردستان

اشاره می‌کند: «چنانکه اطلاع پیدا کردیم

توطئه‌گران در اطراف کردستان دارند مردم

دهات را جمع می‌کنند برای اینکه مملکت

را تجزیه کنند، آیا دولت باید آنها را آزاد

بگذارد؟ آیا این درست است که بگوییم

اجتماع آزاد است و با استفاده از این مطالب

تجمع کنند، بیایند بگویند مملکت باید

تجزیه شود؟»

بعد از آن بار دیگر آیت‌الله خامنه‌ای

می‌گوید: «در راهپیمایی‌ها منظور نظر همه

دولت‌ها این است که باید منظم بوده و با

عفت عمومی مخالفت نداشته باشد و از

این قبیل مقررات در همه جای دنیا وجود

دارد و نظر ما این است که مخالف با اسلام

و نیز مخالف با نظام جمهوری نباشد که در

جای دیگر هم البته قید شده. اگر این جمله

در اینجا قید بشود که مقررات مربوط به نظم

باید رعایت شود، اگر مقررات ناظر بر همه

اینها است که نیازی به هیچ کدام از اینها نیست، اگر بنا است یکی از اینها ذکر بشود، بقیه هم

باید ذکر شود چون این مقررات لغوی می‌شود و دیگر نیازی به آنها نیست.»

■ از آزادی تا اعلام جرم علیه آزادی

«معلوم می‌شود اینجا دو نظر وجود دارد: یک نظر اینکه راهپیمایی و اجتماع آزاد باشد و یک نظر اینکه باید محدود باشد؛ دکتر بهشتی نظر نمایندگان را اینگونه جمع بندی می‌کند. اما بحث وجدل همچنان ادامه دارد و «محمد یزدی» معتقد است بحث در کلاس دانشکده که در آنجا همه آزادند، حتی اگر علیه خدا هم باشد ایرادی ندارد ولی راهپیمایی یا بحثی که مقدمه توطئه باشد درست نیست و باید این را منع کرد. اما «علی اکبر مشکینی» معتقد است اسلام که آزادی را اجازه داده است، برای اینکه هر کس هر مطلبی خواست بگوید و ولو ضد اسلام باشد؛ باید نازل فن ببرد و جوابش را بشنود.

نوبت که به «جلال الدین فارسی» می‌رسد، می‌گوید: «اجتماعات و راهپیمایی یک وسیله است برای اظهار نظر و در حقیقت برای اظهار عقیده، مثل تشکیل احزاب، مثل نشر روزنامه و نشریه‌های دیگر. همه اینها وسیله است، ما می‌خواهیم وسیله یا سوءاستفاده از وسیله را تحریم کنیم. مثل این است که فروش کاغذ را محدود کنید و بگویید هیچ کارخانه کاغذسازی دایر نشود و کاغذ فروشی ممنوع باشد مگر اینکه معلوم باشد در این کاغذ چه نوشته شده است. قبل از اینکه یک اجتماع در یک میدان تشکیل شود، از کجای داند در آنجا چه گفته خواهد شد که منعش کند؟»

امارتانی شیرازی اعتراض می‌کند: «ممکن است فردایک عده‌ای زن‌ها جمع بشوند و

بگویند ما می‌خواهیم راهپیمایی علیه حجاب بکنیم اینک نمی‌شود.»